الباب الثامن من الواحد السابع فرض علی الکل ان یکتب…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثامن من الواحد السابع** فرض علی الکل ان یکتب من مطلع شهر الی شهر آخر واحدا فی واحد مما یحب من اسماء الله کالله اکبر او اعظم او اظهر و نحوه و قد اذن ان یحسب من اول العمر الی آخره ثم یکتب ما فات عنه و ان مات فعلی وراثه ان یکتبوا له مما قضی علیه من العمر.

ملخص این باب آنکه بر هر نفسی امر شده در هر شهر یک واحد در واحد پر کند و حساب آن از حین انعقاد نطفه او است تا حین قبض روح او و اگر از او فوت شود بر وراث او است

و ثمرۀ آن آنکه لعل در یوم ظهور شجرۀ حقیقت تکثر کند مؤمنین باو را زیرا که کینونیات افئده ممد است من الله باین اسماء همین قسم که ذکر کرد مدد شیئ را سبب میشود که کم کم برتبه جسد برسد و سبب دخول آن در واحد قیامت گردد

و در این کور ثمر آن اینکه لعل واحد اول مکثر گردد تا آنکه پر شود سموات و ارض و ما بینهما از آنکه در یوم ظهور کل نه بینند در آن واحدا الا این واحد را بنحو اشرف که قدم یکی بر صراط نلغزد که اگر همین واحد را در حین ظهور واحد قرآن میدیدند احدی از مسلمین از صراط منحرف نمیشد

و کل این واحد بدرجاته منتهی میشود بواحد اول کل عالم را واحد واحد کن و مدد هر درجه تحتی را از درجه فوق قرار بده تا آنکه رسد بیک واحد همان واحد اولی است که کل مکلفند بمعرفت آنها و در آن واحد مبین الا واحد بلا عدد که حروف اول باشد تا آنکه نه بینی در مرایا الا طلعت شمس وحده را این است جوهر توحید و سر تجرید

گویا دیده میشود که سر واحد جریان بهم میرساند تا آنکه در کل شیئ جاری میگردد حتی عدد قلم در قلمدان عدد واحد میشود که مظهر نقطه در بین اقلام بهاء کل را دارد واگر کسی جاری کند و در بهاء واحد اول بهاء کل را قرار ندهد نشناخته است واحد اول را و حق او را در صقع او عطا نکرده مثلا اگر بهاء یک قلم نوزده مثقال فضه باشد باید بهاء هیجده قلم هیجده مثقال باشد و بهاء آنرا بهاء کل واحد قرار دهد که کل ممد از او هستند

این است که در بعث آن بعث کل ذکر میشود و در حشر آن حشر کل و در عرض آن عرض کل و در جزای آن جزای کل مثل آنکه امروز می بینی در اسلام آنچه هست مدد دین باسم محمد - صلی الله علیه و اله - و مظاهر او و ابواب هدی است و همچنین در دنیا کل بایشان مستمدند

این است که کل اعداد متکثره باین واحد قائمند و آن واحد بواحد اول که بلا عدد است قائم و اون بنفسه بالله عز و جل قائم و بعد از رتبه واحد اول مراتب ما لا نهایه هست از برای رتبه واحد که غیر الله احصا نتواند نمود

و الله یخلقن ما یشاء و یکثرن واحد الاول کیف یشاء بامره انه کان علی کل شیئ قدیرا.

